

امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره

مسلم سواری* - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران
حسین شعبانعلی فمی- دانشیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران
ژیلا دانشور عامری- استادیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و زیربنای پرورش نسل آینده کشور قلمداد می‌شود. در دهه‌های اخیر با برجسته‌شدن مفهوم توسعه انسانی موضوع تغذیه ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. پژوهش حاضر با هدف کلی تحلیل وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل روستایی شهرستان دیواندره بود (N=۱۵۴۲۱). با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۱۳ نفر به روش طبقه‌بندی تصادفی برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه‌ای بود که روایی آن را جمعی از متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، و پایایی آن را ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید کرد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وضعیت نامناسب امنیت غذایی و گروه‌های غذایی در خانوارهای روستایی مطالعه‌شده بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین درآمد خانوار، تعداد شاغلان خانوار، فاصله محل سکونت تا شهر، بعد خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی در تملک خانواده و تحصیلات مادر خانواده (مسئول تغذیه) با امنیت غذایی خانوار رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سه متغیر درآمد خانوار، تحصیلات مادر و نظام تولیدی مختلط می‌توانند تا ۶۲/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق (امنیت غذایی) خانوار را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی، زنان روستایی، شهرستان دیواندره، گروه‌های غذایی.

مقدمه

به دنبال اعلام دهه‌های توسعه از سوی سازمان ملل متحد از اوایل دهه شصت میلادی، موضوع توسعه در کشورهای در حال توسعه در صدر مسائل نهادی ملل متحد و مؤسسه‌های بین‌المللی قرار گرفت. تعاریف متعددی از توسعه در ابتدای دهه ارائه شد که با تلاش صاحب‌نظران تعاریف و مشخصات وسیع‌تری به تدریج در آن جای گرفت. مشخصاتی نظیر کاهش فقر و نابرابری در مفهوم توسعه گنجانده شد و بهبود زندگی اجتماعی به عنوان اصلی مهم در توسعه مطرح گردید. از مهم‌ترین چالش‌هایی که توسعه در دهه هفتاد با آن روبه‌رو بود، مقابله با سوءتغذیه و گرسنگی در سطح جهان بود (سجادپور و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۸). دسترسی به مقدار کافی مواد غذایی و سلامت تغذیه‌ای، از محورهای اساسی توسعه و زیربنای پرورش نسل آتی کشور قلمداد می‌شود. مطالعات انجام‌شده بر نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزند (شکوری، ۱۳۸۳، ۱۳۴). یکی از وجوه امنیت انسانی، امنیت غذایی است و فقدان آن به معنای به‌خطر افتادن امنیت برای انسان‌هاست. امروزه با گسترش مفهوم توسعه انسانی، مسئله امنیت غذایی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و به یکی از مهم‌ترین مباحث در کلیه کشورهای جهان تبدیل شده است (کیمیایگر و همکاران، ۱۳۸۴، ۹۴).

از یک سو بر اساس گزارش سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۲۵ جمعیت هفت میلیارد نفری حاضر از مرز هشت میلیارد نفر خواهد گذشت، بدون اینکه تولید مواد غذایی در کشورهایی که با رشد جمعیت مواجه‌اند افزایش یابد (عبادی، ۱۳۸۳، ۱۷). از سوی دیگر، افزایش قیمت‌های مواد غذایی به‌ویژه بعد از سال ۲۰۰۶ منجر به تشدید ناامنی غذایی در جهان گردید. در سال ۲۰۰۷، نزدیک به ۷۵ میلیون نفر بر تعداد گرسنگان جهان افزوده شد و تعدادشان به ۹۲۳ میلیون نفر رسید (Sarljo-Latheenkorva et al., 2008, 187). امنیت غذایی به معنای دسترسی همه مردم در تمامی اوقات به غذای کافی برای داشتن زندگی سالم است. این تعریف بر سه مؤلفه موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در دریافت غذا استوار است (FAO, 2008).

در ایران نیز مطالعه‌ای که روی ۷۱۵۸ خانوار ایرانی انجام شد، شیوع ناامنی غذایی کشور را ۲۳/۲ درصد گزارش کرد، با این ترکیب که میزان ناامنی غذایی در جوامع روستایی به مراتب بیشتر از نقاط شهری است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۳، ۳۲). به‌رغم آنکه در جامعه روستایی ایران، زنان به‌طور مستقیم ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری، و عمده فعالیت‌های باغداری و صنایع‌دستی را برعهده دارند، اما توده بیشماری از آنان همچنان گرفتار فقر مزمن، سوءتغذیه و کمبود موادغذایی در دسترس هستند (Binam, 2003, 14). براساس مطالعات بالینی که به‌طور پراکنده در مناطق مختلف ایران انجام شد، کمبود آهن، انواع ویتامین‌ها، ید و کلسیم از معضلات بهداشتی-تغذیه‌ای کشور به‌ویژه در روستاهاست. شیوع کم‌خونی و سوءتغذیه در کودکان روستایی دوبرابر کودکان شهری گزارش شده است. این درحالی است که کشاورزی به‌عنوان پایه و اساس فعالیت‌های روستاییان به امنیت غذایی یاری می‌رساند. بنابراین، بررسی این موضوع در جامعه روستایی به‌عنوان سنگ‌بنای سلامت فکری، روانی و جسمی هر جامعه‌ای دارای اهمیت است و با بررسی زوایای مختلف آن می‌توان گامی مثبت در مسیر توسعه روستایی برداشت (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۳).

بااینکه شدت ناامنی غذایی در جامعه روستایی بیشتر از نقاط شهری است، اما انتظار می‌رود خانوارهای روستایی که عمدتاً تولیدکننده و تأمین‌کننده موادغذایی خود هستند، از نظر نوع و میزان، دسترسی کاملی به موادغذایی داشته باشند. خانوارهای روستایی غالباً موادغذایی‌شان را از طریق کشت و زرع، و پرورش دام و طیور تولید و تأمین می‌کنند و خانوارهایی خوداتکا تلقی می‌شوند. چرا خانوار روستایی با استناد به اطلاعات ارائه‌شده با مشکل ناامنی غذایی روبه‌روست و با کمبود ریزمغذی‌ها دسته‌وپنجه نرم می‌کند؟ آیا می‌توان خانوار روستایی را خانواری ایمن از نظر تغذیه دانست؟ از طرف دیگر، با توجه به کمبود مطالعات در این زمینه و لزوم کاهش مشکلات تغذیه‌ای روستاییان برای داشتن جامعه‌ای فعال، تولیدکننده و سالم، نتایج این تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی برای توجه بیشتر به این مناطق و مشکلاتی که گریبانگیر جوامع روستایی است کمک شایانی کند. این تحقیق با هدف کلی

تحلیل وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره انجام شد و اهداف اختصاصی زیر را دنبال کرد:

۱. بررسی ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مطالعه‌شده.
۲. بررسی وضعیت امنیت غذایی در جامعه روستایی شهرستان مطالعه‌شده.
۳. بررسی وضعیت گروه‌های غذایی در جامعه روستایی شهرستان مطالعه‌شده.
۴. بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش با امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه‌شده.
۵. تأثیر متغیرهای بررسی‌شده بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مطالعه‌شده.

مبانی نظری

بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه وضعیت تغذیه در کشور نشان می‌دهد که انرژی عمدتاً از طریق غلات، روغن‌ها و چربی‌ها، و سبزیجات و میوه‌ها تأمین می‌شود و سهم فرآورده‌های حیوانی و به‌طور کلی گوشت قرمز و لبنیات در این میان کمترست، به‌طوری‌که مصرف آن، به‌ویژه در مناطق روستایی، در سطح حداقل و نامطلوب قرار دارد (کیمیگر و همکاران، ۱۳۸۳، ۱۴۵). وعده‌های غذایی روستاییان، از نظر زمان و نوع خوراک، برنامه‌ای مشخص مانند شهر ندارد و تغذیه آنان بیشتر تابع گرسنگی است. نوع خوراک را نیز فصل و تولیدات دامی و کشاورزی تعیین می‌کند (تقوی شیرازی و اقتصادی، ۱۳۸۳، ۱۳). این امر نشان می‌دهد که روستاییان به نوع غذا، ایجاد تنوع غذایی، و ارزش تغذیه‌ای و کیفیت غذاها توجهی ندارند (سالارکیا و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۹). بیشتر ویتامین مصرفی روستاییان از گوجه‌فرنگی، کره، تخم‌مرغ و روغن حیوانی تأمین می‌شود (نوروزی، ۱۳۷۳، ۴۴). روستاها مکان تولید انواع گوشت، میوه و سبزی هستند و روستاییان که مهم‌ترین تولیدکنندگان این موادند نباید تغذیه نامناسب داشته باشند، درحالی‌که بررسی‌ها عکس این مطلب را نشان می‌دهند. به‌نظر می‌رسد در دسترس نبودن غذای کافی، ناآگاهی، و عادت‌های نادرست غذایی باعث شده است که وضعیت

امنیت غذایی در جامعه روستایی بدتر از مناطق شهری باشد (سالارکيا و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۹). به دلیل ضعیف بودن وضع مالی خانوارهای روستایی، مصرف انواع گوشت و میوه که حاوی مواد پروتئینی و ویتامین‌اند، در روستاها کمتر از شهرهاست و روستاییان به مصرف هرچه بیشتر نان، روغن، چربی و مواد لبنی روی آورده‌اند (قاسمی اردهای، ۱۳۸۶، ۱۴).

تحقیقی در زمینه عوامل مؤثر بر تغذیه روستاییان نشان داد که عواملی مانند قیمت مواد غذایی، سطح دانش و اطلاعات تغذیه‌ای خانوار، تحصیلات پدر خانواده، تحصیلات مادر خانواده، تعداد اعضای خانوار و دسترسی به مواد غذایی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تغذیه است (پورقاسم و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۵۱). پژوهشی در زمینه تأثیر عوامل جمعیتی و اجتماعی بر امنیت غذایی به این نتیجه رسید که عواملی همچون جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار، وضعیت اشتغال، وجود فرد بیمار در خانواده، شبکه حمایت‌های خانوادگی و پرداخت هزینه برای مسکن به شدت بر امنیت غذایی تأثیرگذار است (علی حسینی، ۱۳۸۵، ۱۳).

گودرزی و همکارانش در پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی به این نتیجه رسیدند که بین امنیت غذایی و متغیرهای نظام تولیدی خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی خانوار، اندازه واحدهای دامی، تعداد افراد شاغل، درآمد خانوار، تحصیلات زنان روستایی و توانایی تصمیم‌گیری مادر خانوار رابطه معناداری وجود دارد (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۴). صفرخانلو و همکارانش در بررسی وضعیت شاخص‌های امنیت غذایی به این نتیجه رسیدند که شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی به شدت کاهش و خط فقر به سرعت افزایش داشته و در نهایت شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های مطالعه شده روند مشخصی نداشته و فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است (صفرخانلو و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۳). در مطالعه دیگری، شرفخانی و همکارانش به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در میان زنان، زمین تحت تملک، درآمد خانوار، تعداد افراد خانواده، سن مسئول تغذیه خانوار، پس‌انداز شخصی، و

تکسرپرستی است (شرفخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۲۸). در تحقیقی که رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی در آن بررسی شده، این نتیجه به دست آمد که تحصیلات بالاتر مادر، جایگاه شغلی بالاتر سرپرست خانوار، مالکیت واحد مسکونی و امتیاز بالاتر امکانات و تسهیلات زندگی با ناامنی غذایی ارتباط مستقیم دارد و با افزایش بعد خانوار، ناامنی غذایی نیز روند فزاینده پیدا می کند (پیاب و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۵).

معرفی منطقه مطالعه شده

شهرستان دیواندره در فاصله ۹۸ کیلومتری شمال سنندج با وسعت ۴۲۰۳ کیلومترمربع و با ۱۸۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا، در ۴۷ درجه و یک دقیقه شرقی نصف النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. این شهرستان از شمال با تکاب، از شرق با بیجار، از شمال غربی با سقز، از غرب با مریوان و از جنوب با سنندج همسایه است. شهرستان دیواندره با مساحتی معادل ۴۲۰۳ کیلومترمربع حدود ۱۵ درصد از وسعت کل استان کردستان را شامل می شود که دارای سه بخش و نه دهستان است و ۶۵۶۵۹ نفر جمعیت دارد، که از این تعداد ۱۵۴۲۱ نفر را زنان متأهل روستایی تشکیل می دهند. به گفته سازمان علوم پزشکی شهرستان دیواندره ۶۸ درصد از جمعیت این شهرستان دارای اضافه وزن و عادت های غذایی ناصحیح هستند، به طوری که ۸۸ درصد از جمعیت این شهرستان ماهی و ۲۸ درصد نیز اصلاً میوه و سبزی مصرف نمی کنند. میانگین مصرف سرانه چربی و روغن ها نیز از میانگین کشوری بالاتر است. ۳۶ درصد زنان و ۵۹ درصد مردان این منطقه در گروه سنی ۴۵ تا ۶۵ سال مبتلا به فشار خون بالا و ۴۰ درصد از زنان و ۳۳ درصد مردان نیز در همین گروه سنی مبتلا به دیابت هستند. جامعه روستایی شهرستان دیواندره نیز از این قاعده مستثنا نیست و با کمبود انواع ریزمغذی ها دست و پنجه نرم می کند. به گفته سازمان علوم پزشکی، خانوارهای روستایی این شهرستان ۷۰ درصد آهن لازم برای بدن و ۶۴ درصد از جمعیت کل جامعه روستایی آن نیاز

روزانه ویتامین A را دریافت نمی‌کنند. گزارش‌های علوم پزشکی وضعیت نامطلوب مصرف مواد غذایی و در نهایت ناامنی غذایی را نشان می‌دهند. بیشتر غذای‌های مصرفی جامعه روستایی این شهرستان برای سیر کردن شکم است تا تغذیه سلول‌ها. ازین‌رو، بررسی وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در این جامعه روستایی ضروری است و با بررسی عوامل تأثیرگذار در این زمینه می‌توان کمک شایانی به بهبود وضعیت امنیت غذایی کرد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است، از نظر امکان کنترل متغیرها غیرآزمایشی است و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی. محدوده زمانی این تحقیق تک‌مقطعی است و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی (اردیبهشت ۱۳۹۲) گردآوری شدند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان متأهل روستایی شهرستان دیواندره است (N=۱۵۲۴). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۱۶۱ نفر از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، اما برای افزایش اعتبار یافته‌ها ۲۳۰ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی توزیع شد و در نهایت تعداد ۲۱۳ پرسشنامه به‌صورت کامل تکمیل و دریافت شد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود. این پرسشنامه شامل سه قسمت اصلی بدین شرح بود: (الف) ۱۳ گویه مربوط به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی؛ (ب) ۱۸ گویه برای بررسی وضعیت امنیت غذایی که به‌منظور سنجش آن از پرسشنامه استاندارد وزارت کشاورزی امریکا (US Department of Agriculture (USDA), 2008, 37 – 44) استفاده شد؛ و (ج) ۸ شاخص برای سنجش وضعیت گروه‌های غذایی که از شاخص‌ها و استانداردهای تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور (انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، ۱۳۷۴) استفاده شد. به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی سازه با محاسبه میانگین واریانس استخراجی، و روایی محتوایی شامل پانل متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

استفاده شد. براساس نظرها و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه انجام شد. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد (جدول ۱). با توجه به مقادیر جدول ۱ می‌توان گفت که ابزارهای پژوهش حاضر دقت لازم و کافی را دارند.

جدول ۱. بررسی روایی و پایایی ابزارهای پژوهش

مقدار گزارش شده	مقدار استاندارد	موارد
۰/۸۹	بالاتر از ۰/۵	روایی سازه (AVE)
۰/۹۵	بالاتر از ۰/۶	پایایی ترکیبی (CR)
۰/۸۰	بالاتر از ۰/۷	آلفای کرونباخ (α)

به منظور گروه‌بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای بررسی شده از گروه‌بندی استاندارد وزارت کشاورزی امریکا استفاده شد (Bickel et al., 2008, 48). این گروه‌بندی در جدول ۲ آورده شده است و در تفسیر آن می‌توان گفت که اگر امتیاز خانوار کمتر از ۲/۳۲ باشد در قسمت امنیت غذایی، و بیش از آن در قسمت ناامنی غذایی قرار می‌گیرد. ناامنی غذایی خود به دو قسمت تقسیم می‌شود: ناامنی غذایی بدون گرسنگی (امتیاز خانوار بین ۲/۳۲ تا ۴/۵۶)، و ناامنی غذایی با گرسنگی (امتیاز خانوار بیشتر از ۴/۵۶) که این قسمت نیز خود به دو زیربخش تقسیم می‌شود: ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط (امتیاز خانوار ۴/۵۶ تا ۶/۵۳)، و ناامنی غذایی با گرسنگی شدید (امتیاز خانوار بیش از ۶/۵۳).

برای به‌دست‌آوردن مقادیر جدول ۲ باید طبق استاندارد جهانی به گویه‌ها وزن داده شود. هنگام اعمال وزن به گویه‌ها باید خانوارهای دارای فرزند و خانوارهای بدون فرزند از هم تفکیک شوند. در این مطالعه نیز با توجه به اینکه اکثر خانوارها دارای فرزند بودند، از مقیاس وزنی خانوارهای دارای فرزند استفاده شد.

جدول ۲. تحلیل وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی

امتیاز خانوار			
کمتر از ۲/۳۲	۲/۳۲ - ۴/۵۶	۴/۵۶ - ۶/۵۳	بیشتر از ۶/۵۳
نامنی غذایی			امنیت غذایی
نامنی غذایی بدون گرسنگی		نامنی غذایی با گرسنگی	
نامنی غذایی با گرسنگی		نامنی غذایی با گرسنگی شدید	

در پژوهش حاضر برای عملیاتی کردن وضعیت گروه‌های غذایی از الگوی پیشنهادی انستیتو تحقیقات علوم تغذیه و صنایع غذایی کشور (۱۳۷۴) استفاده شد. براساس شاخص‌های تعیین شده به وسیله این الگو، وضعیت تغذیه روزانه هر یک از اعضای خانوار روستایی مشخص شد. در این الگو کوشش شد با استفاده از جانشین خوراکی، از سهم هزینه خانوار کاسته شود تا مواد مغذی با هزینه تأمین کمتری به بدن برسد. در جامعه روستایی برای عملیاتی کردن این متغیر دو مشکل اساسی وجود داشت؛ نخست مشکل زمان: یعنی تعیین مدت زمانی که وضعیت تغذیه خانوار بررسی می‌شود و دیگر تعیین مقدار و وزن مواد غذایی براساس الگوی پیشنهادی. وضعیت تغذیه خانوارها این گونه تعیین می‌شود که در یک دوره مشخص (یک هفته تا یک ماه) مواد مصرفی و مقدار مصرف روزانه هر کدام به دقت یادداشت می‌شود. سپس براساس فرمول پیشرفته بهداشتی-تغذیه‌ای وضعیت تغذیه‌ای خانوار تعیین می‌گردد؛ که مستلزم مطالعه‌ای دقیق و هزینه‌بر است و خارج از حوزه این پژوهش قرار می‌گیرد.

ازسویی، به دلیل ناتوانی زنان روستایی در شرح دقیق مواد غذایی مصرفی، استفاده از این روش برای تحقیق حاضر امکان‌پذیر نبود. بنابراین، دو تغییر عمده در پرسشنامه پژوهش حاضر ایجاد شد؛ ابتدا مدت زمان مصرف مواد غذایی از مصرف روزانه به هفتگی تغییر یافت. علت تغییر مذکور این بود که احتمال داشت اعضای خانواده به دلایلی تمام مواد ذکر شده در الگوی تغذیه

پیشنهادی را در روز مصرف نکرده باشند. درعین حال ممکن بود خانوارهای بررسی شده در طول روزهای هفته این مواد را به گونه‌ای مصرف کرده باشند که کمبود مصرف را پر کرده باشد. دیگر اینکه چون جامعه آماری پژوهش خانوارهای روستایی بودند، شاخص مذکور از فرد به خانوار تغییر یافت. برای اعمال این تغییر هریک از مقادیر استاندارد هشت گروه غذایی در تعداد اعضای خانوار ضرب و با مقدار گزارش شده خانوار مقایسه شد؛ اگر مقدار گزارش شده خانوار کمتر از مقدار استاندارد بود در قسمت ناامن غذایی قرار می‌گرفت و برعکس. به منظور برآورد صحیح هریک از هشت گروه مواد غذایی که زنان روستایی در بیان دقیق آنها مشکل داشتند، پیمانه‌های مناسبی طراحی شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS Win18 صورت گرفت. در بخش آمار توصیفی از میانگین، درصد، و ضریب تغییرات، و در بخش آمار استنباطی از تحلیل همبستگی، مقایسه میانگین‌ها و رگرسیون استفاده شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مطالعه شده

نتایج پژوهش نشان دادند که میانگین سن زنان روستایی مطالعه شده ۴۳/۶۹ با انحراف معیار ۱۱/۳۱ سال بود و در دامنه سنی ۲۴ تا ۷۱ سال قرار داشتند. میانگین سابقه فعالیت زنان روستایی در کشاورزی ۱۶/۲۳ با انحراف معیار ۱۰/۱۱ سال بود. افزون‌براین، نتایج حاکی از آن است که میانگین بعد خانوار در میان زنان روستایی مطالعه شده ۵/۸۹ با انحراف معیار ۲/۳۴ نفر بود و میانگین درآمد سالیانه خانوار زنان روستایی شهرستان دیواندره ۹/۳۵ با انحراف معیار ۴/۲۳ میلیون تومان بود. نتایج سایر ویژگی‌های فردی زنان بررسی شده در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد معتبر	نما
تعداد شاغلان خانوار	کمتر از ۲ نفر	۱۴۲	۶۶/۷	*
	۲ تا ۴ نفر	۴۵	۲۱/۱	
	بیشتر از ۴ نفر	۲۶	۱۲/۲	
فاصله محل سکونت تا شهر	کمتر از ۲۰ کیلومتر	۴۵	۲۱/۱	
	۲۰ تا ۴۰ کیلومتر	۵۵	۲۵/۸	
	بیشتر از ۴۰ کیلومتر	۱۱۳	۵۳/۱	*
نظام تولیدی خانوار	معیشتی	۷۵	۳۵/۲۱	
	مختلط	۱۱۲	۵۲/۵۸	*
	تجاری	۲۶	۱۲/۲۱	
مقدار زمین خانوار	کمتر از ۲۰ هکتار	۱۴۴	۶۷/۶	*
	۲۰ تا ۴۰ هکتار	۵۲	۲۴/۴	
	بیشتر از ۴۰ هکتار	۱۷	۸/۰	
درقید حیات بودن همسر	بله	۱۵۸	۷۴/۲	*
	خیر	۵۵	۲۵/۸	
شرکت در دوره آموزشی - ترویجی	بله	۱۰۷	۵۰/۲	*
	خیر	۱۰۶	۴۹/۸	
دریافت اطلاعات در زمینه تغذیه خانوار	بله	۸۸	۴۱/۳	
	خیر	۱۲۵	۵۸/۷	*
سطح تحصیلات	بی سواد	۸۵	۳۹/۹	*
	ابتدایی	۶۲	۲۹/۱	
	راهتمایی	۲۳	۱۰/۸	
شغل	دیپلم و بالاتر	۴۳	۲۰/۲	
	خانه‌دار	۱۰۶	۴۹/۸	*
	خیاط	۲۴	۱۱/۲	
	دامدار	۲۰	۹/۴	
	قالی‌باف	۳۰	۱۴/۱	
	آزاد	۳۳	۱۵/۵	

وضعیت امنیت غذایی در جامعه روستایی شهرستان مطالعه شده

به منظور اولویت بندی گویه های سنجش امنیت غذایی از دیدگاه زنان روستایی نمونه بررسی شده از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج این قسمت در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. اولویت بندی گویه های تشکیل دهنده امنیت غذایی خانوار

از دیدگاه زنان روستایی مطالعه شده

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۵۳/۷	۰/۴۵۴	۰/۸۴۵	ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل و متناسب
۲	۵۹/۷	۰/۴۷۷	۰/۷۹۸	کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا
۳	۶۱/۵	۰/۷۵۷	۱/۲۳	نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز
۴	۶۲/۵	۰/۷۱۹	۱/۱۵	تهیه و تدارک مواد غذایی ارزان قیمت برای بچه ها
۵	۶۵/۳	۰/۷۱۹	۱/۱۰	حذف شدن تعدادی از وعده های غذایی از سوی بزرگسالان
۶	۶۶/۲	۰/۷۴۹	۱/۱۳	ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل برای بچه ها
۷	۶۷/۷	۰/۷۱۱	۱/۰۵	نگرانی در مورد تمام شدن غذا
۸	۸۱/۵	۰/۶۲۸	۰/۷۷۰	تغذیه نشدن بچه ها به اندازه کافی
۹	۸۸/۰	۰/۵۶۲	۰/۶۳۸	به علت ناتوانی خرید، چند بار بچه ها گرسنه مانده اند
۱۰	۱۰۲/۹	۰/۶۳۷	۰/۶۱۹	داشتن احساس گرسنگی اما نبودن چیزی برای خوردن
۱۱	۱۰۴/۲	۰/۶۴۵	۰/۶۱۹	خوردن غذا در هر وعده غذایی کمتر از حد معمول
۱۲	۱۳۴/۸	۰/۳۷۹	۰/۲۸۱	بچه ها به مدت سه ماه یا بیشتر بعضی از وعده های غذایی را حذف کرده اند
۱۳	۱۳۵/۸	۰/۶۲۵	۰/۴۶۰	حذف بعضی از وعده های غذایی بچه ها
۱۴	۱۳۸/۱	۰/۳۳۷	۰/۲۴۴	بچه ها در طول یک روز غذا نخورده اند
۱۵	۱۵۳/۷	۰/۳۳۲	۰/۲۱۶	بزرگسالان به مدت سه ماه یا بیشتر در طول تمام روز غذا نخورده اند
۱۶	۱۶۴/۱	۰/۶۵۵	۰/۳۹۹	حذف بعضی از وعده های غذایی بزرگسالان
۱۷	۱۶۹/۱	۰/۶۷۵	۰/۵۴۴	کاهش تعداد یا میزان وعده های غذایی بچه ها
۱۸	۱۷۵/۱	۰/۶۶۹	۰/۳۹۹	کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی

مقیاس: ۱. گاهی، ۲. اغلب، ۳. هرگز

با توجه به اینکه اطلاعات پرسشنامه براساس ۱۲ ماه گذشته بود، می‌توان گفت که «ناتوانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل و متناسب» و «کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا» از مواردی بود که در ۱۲ ماه گذشته برای خانوارها بیشتر اتفاق افتاده بود. موارد «کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی» و «کاهش تعداد یا میزان وعده‌های غذایی بچه‌ها» درمقایسه با سایر موارد برای خانوارهای روستایی کمتر اتفاق افتاده است.

برای گروه‌بندی تحلیل وضعیت امنیت غذایی خانوار همان‌طور که در روش تحقیق بیان شد، از مقیاس طراحی شده وزارت کشاورزی امریکا استفاده شد (جدول ۵). براساس نتایج جدول ۵ می‌توان گفت که از میان خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره فقط ۳۶/۶۱ درصد دارای امنیت غذایی بودند، ۳۸/۹۶ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۷/۸۴ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۶/۵۹ درصد نیز ناامنی غذایی با گرسنگی شدید داشتند. بنابراین، می‌توان اظهار کرد که خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره دارای وضعیت مطلوبی از نظر امنیت غذایی نیستند، چراکه ۱۳۵ خانوار (۶۳/۳۹ درصد) در قسمت ناامنی غذایی قرار دارند.

جدول ۵. وضعیت امنیت غذایی خانوار براساس دیدگاه پاسخگویان

جمع	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطح
۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۷۸	امنیت غذایی
۶۳/۳۹	۷۵/۵۷	۳۸/۹۶	۸۳	بدون گرسنگی
	۹۳/۴۱	۱۷/۸۴	۳۸	با گرسنگی متوسط
	۱۰۰	۶/۵۹	۱۴	با گرسنگی شدید
-	-	۱۰۰	۲۱۳	جمع

وضعیت گروه‌های غذایی در جامعه روستایی شهرستان مطالعه‌شده

در این پژوهش به‌منظور بررسی وضعیت گروه‌های غذایی در جامعه روستایی شهرستان بررسی شده از الگوی پیشنهادی انستیتو تحقیقات علوم تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور استفاده شد (جدول ۶). همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، بیشترین امنیت غذایی بین

خانوارهای روستایی شهرستان بررسی شده مربوط به گروه لبنیات است که از ۲۱۳ خانوار، ۱۲۷ خانوار (۵۹/۶۲ درصد) در قسمت امن غذایی و ۸۶ خانوار (۴۰/۳۸ درصد) در قسمت ناامن غذایی قرار دارند. بیشترین ناامنی غذایی مربوط به گروه غذایی سبزیجات است، که ۱۳۹ خانوار (۶۵/۲۵ درصد) در قسمت ناامن غذایی و ۷۴ خانوار (۳۴/۷۵ درصد) در قسمت امن غذایی قرار دارند.

جدول ۶. وضعیت گروه‌های غذایی در خانوارهای مطالعه شده

نامن غذایی		امن غذایی		مقدار استاندارد	گروه‌های غذایی به تفکیک
درصد	تعداد (خانوار)	درصد	تعداد (خانوار)	برای هر فرد	
۴۲/۲۶	۹۰	۵۷/۷۴	۱۲۳	۳۵۰ گرم	غلات (نان، برنج، ماکارونی و سیب زمینی)
۴۵/۵۴	۹۷	۵۴/۴۶	۱۱۶	۳۰ گرم	حبوبات (لوبیا، عدس، ماش، لپه و باقلا)
۵۴/۰۰	۱۱۵	۴۶/۰۰	۹۸	۴۵ گرم	قند و شکر (خرما و عسل)
۴۱/۳۲	۸۸	۵۸/۶۸	۱۲۵	۲۵ گرم	روغن (مایع، جامد، کره)
۶۰/۱	۱۲۸	۳۹/۹۰	۸۵	۳۵۰ گرم	میوه‌جات (همه میوه‌ها)
۶۵/۲۵	۱۳۹	۳۴/۷۵	۷۴	۳۳۰ گرم	سبزیجات (تمامی سبزیجات)
۴۷/۸۹	۱۰۲	۵۲/۱۱	۱۱۱	۱۰۰ گرم	گوشت (قرمز و سفید)
۴۰/۳۸	۸۶	۵۹/۶۲	۱۲۷	۴۰۰ گرم	لبنیات

روابط بین متغیرهای پژوهش با امنیت غذایی خانوارهای مطالعه شده

برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، با توجه به مقیاس‌های سنجش متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. براساس نتایج جدول ۷ می‌توان گفت که بین درآمد خانوار،

تعداد شاغلان خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی تحت تملک خانوار و تحصیلات مادر (مسئول تغذیه) با امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بعد خانوار و فاصله محل سکونت تا شهر نیز رابطه منفی و معناداری با امنیت غذایی دارد، به طوری که می‌توان گفت با بهبود موارد ذکر شده امنیت غذایی خانوارها بهبود می‌یابد.

جدول ۷. روابط بین متغیرهای مستقل با امنیت غذایی خانوار

امنیت غذایی		متغیرهای مستقل
Sig	r	
۰/۳۲۴	۰/۶۴۲	سن
۰/۳۹۶	۰/۴۵۲	سابقه کار در کشاورزی
۰/۰۰۱	۰/۴۲۸**	درآمد خانوار
۰/۰۰۰	-۰/۵۷۸**	بعد خانوار
۰/۰۰۰	۰/۱۲۸**	تعداد شاغلان
۰/۰۰۱	-۰/۲۸۶*	فاصله محل سکونت تا شهر
۰/۰۰۰	۰/۳۱۱**	مقدار زمین زراعی خانوار
۰/۰۰۳	۰/۶۴۷**	تحصیلات

** معناداری در سطح ۱ درصد، و * معناداری در سطح ۵ درصد

به منظور مقایسه بین امنیت غذایی خانوار با متغیرهای دوقوله‌ای (درقید حیات بودن همسر، شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی و دریافت اطلاعات در زمینه تغذیه خانوار) از آزمون من‌ویتنی استفاده شد. همان‌طور که در نتایج جدول ۸ مشاهده می‌شود، می‌توان گفت که بین امنیت غذایی خانوارها براساس متغیرهای درقید حیات بودن همسر، شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی و دریافت اطلاعات در زمینه تغذیه خانوار تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین رتبه‌ای این مقوله‌ها نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که همسر در قید حیات است، در دوره‌های آموزشی ترویجی شرکت کرده‌اند و در زمینه تغذیه خانوار نیز اطلاعات مناسب دریافت کرده‌اند، امنیت غذایی بالاتر است.

جدول ۸. مقایسه امنیت غذایی خانوارها براساس متغیرهای دوقوله‌ای

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	تعداد	میانگین رتبه‌ای	U	Z	Sig
امنیت غذایی	درقید حیات بودن همسر	بله	۱۵۸	۱۴/۱۶	۲۵۲/۳	-۴/۱۵۲**	۰/۰۰۱
		خیر	۵۵	۱۲/۰۶			
امنیت غذایی	شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی	بله	۱۰۷	۱۳/۳۶	۲۸۵/۴	۵/۴۵۱**	۰/۰۰۱
		خیر	۱۰۶	۱۱/۲۳			
امنیت غذایی	دریافت اطلاعات در زمینه تغذیه خانوار	بله	۸۸	۱۴/۰۱	۱۸۷/۱	-۳/۴۲۱*	۰/۰۱۲
		خیر	۱۲۵	۱۱/۲۳			

** معناداری در سطح ۱ درصد و * معناداری در سطح ۵ درصد

به‌منظور مقایسه بین امنیت غذایی خانوارها با متغیرهای سه‌مقوله‌ای و بیشتر (نظام تولیدی خانوار و شغل زنان روستایی) از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شد. براساس اطلاعات جدول ۹ می‌توان گفت که بین امنیت غذایی خانوار (براساس متغیرهای نظام تولیدی خانوار) و شغل زنان روستایی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت در خانوارهایی که نظام تولیدی مختلط دارند و زنان روستایی‌ای که دارای شغل آزاد هستند، امنیت غذایی بالاتر است.

جدول ۹. مقایسه امنیت غذایی خانوارها براساس متغیرهای نظام تولیدی خانوار و شغل زنان روستایی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	کروسکال‌والیس	سطح معناداری
امنیت غذایی	نظام‌های تولیدی	معیشتی	۷۵	۷۵/۱۴		
		مختلط	۱۱۲	۱۱۴/۱۲	۷/۰۱۴**	۰/۰۰۱
		تجاری	۲۶	۸۵/۵۲		
امنیت غذایی	شغل	خانه‌دار	۱۰۶	۱۱۸/۳۴		
		خیاط	۲۴	۹۲/۵۰		
		دامدار	۲۰	۸۹/۸۸	۱۵/۶۰۱**	۰/۰۰۴
		قالی‌باف	۳۰	۷۷/۹۷		
		آزاد	۳۳	۱۲۱/۸۸		

** معناداری در سطح ۱ درصد

اثر متغیرهای مطالعه‌شده بر امنیت غذایی خانوارها

به‌منظور تعیین اثر متغیرهای مطالعه‌شده بر امنیت غذایی خانوارها، از تحلیل رگرسیون چندگانه به‌روش گام‌به‌گام استفاده شد. در روش گام‌به‌گام، قوی‌ترین متغیرها به‌ترتیب وارد معادله رگرسیون می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معناداری به ۵ درصد برسد (کلانتری، ۱۳۸۹، ۱۸۳-۱۸۱). در تحقیق حاضر، تمام متغیرهایی که رابطه معناداری با امنیت غذایی داشتند و متغیرهای اسمی (به‌صورت کدهای مجازی صفر و ۱) به‌عنوان متغیر پیش‌بین و امنیت غذایی به‌عنوان متغیر ملاک وارد رگرسیون شدند و معادله تا ۳ گام پیش رفت (جدول ۱۰).

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهند که در نخستین گام، متغیر درآمد خانوار وارد معادله شد. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر با ۰/۴۶۵ و ضریب تعیین (R^2) آن برابر با ۰/۲۸۴ است. به‌عبارت دیگر، ۲۸/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (امنیت غذایی خانوار) به‌وسیله این متغیر تبیین می‌شود. در گام دوم، متغیر تحصیلات زنان روستایی وارد معادله شد. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه (R) را به ۰/۶۵۲ و ضریب تعیین (R^2) را به ۰/۴۹۲ افزایش داد. به‌عبارت دیگر، ۲۰/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (امنیت غذایی خانوار) به‌وسیله این متغیر تبیین می‌شود. در گام سوم، میزان استفاده از نظام تولیدی خانوار وارد معادله شد. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه (R) را به ۰/۷۲۵ و مقدار ضریب تعیین (R^2) را تا ۰/۶۲۱ افزایش داد. بنابراین، ۱۲/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (امنیت غذایی) به‌وسیله این متغیر تبیین می‌شود. براساس نتایج، این سه متغیر قادرند ۶۲/۱ درصد ($R^2=0/621$) از تغییرات متغیر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره را تبیین کنند و ۳۷/۹ درصد باقی‌مانده مربوط به عوامل دیگری است که در این تحقیق شناسایی نشدند.

جدول ۱۰. رگرسیون چندگانه برای بررسی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

گام	متغیر مستقل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعدیل شده (R ² _{Adj})	Sig
۱	درآمد خانوار	۰/۴۶۵	۰/۲۸۴	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰
۲	تحصیلات مادر	۰/۶۵۲	۰/۴۹۲	۰/۳۹۵	۰/۰۰۰
۳	نظام تولیدی خانوار (مختلط)	۰/۷۲۵	۰/۶۲۱	۰/۵۸۲	۰/۰۰۰

جدول ۱۱. مقدار تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	ضریب استاندارد نشده (B)	ضریب استاندارد شده (Beta)	t	Sig
ضریب ثابت	۱۵/۵۲۴	-	۷/۷۵۲	۰/۰۰۰
درآمد خانوار (X ₁)	۱/۵۲۴	۰/۷۷۲	۴/۲۵۸	۰/۰۰۱
تحصیلات (X ₂)	۰/۳۶۵	۰/۶۵۸	۳/۵۳۴	۰/۰۰۱
نظام تولیدی (مختلط) (X ₃)	۱/۲۵۳	۰/۶۲۴	۱/۵۸۲	۰/۰۰۰

با توجه به توضیحات گفته شده و نتایج جدول ۱۱، معادله خطی حاصل از رگرسیون این گونه است:

$$Y = 15/524 + 1/524 X_1 + 0/365 X_2 + 1/253 X_3$$

Y: امنیت غذایی؛ X₁: درآمد خانوار؛ X₂: تحصیلات زنان روستایی؛ و X₃: نظام تولیدی خانوار (مختلط).

معنادار بودن آزمون‌های F و t حاکی از معنادار بودن معادله رگرسیون است؛ اما معادله رگرسیون در مورد اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته چیزی بیان نمی‌کند. برای تعیین اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته باید به مقدار بتا (Beta) توجه کرد. این آماره تأثیر هر متغیر مستقل را جدا از تأثیر سایر متغیرهای

مستقل تحقیق بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. بر این اساس، تأثیرگذارترین متغیر مستقل بر متغیر وابسته (امنیت غذایی خانوار)، درآمد خانوار است که مقدار بتای آن ۰/۷۷۲ است. یعنی یک واحد تغییر در انحراف‌معیار متغیر درآمد خانوار، ۰/۷۷۲ واحد تغییر در انحراف‌معیار متغیر وابسته (امنیت غذایی خانوار) ایجاد می‌کند. سایر متغیرها به ترتیب اهمیت تأثیرگذاری‌شان بر متغیر وابسته (امنیت غذایی خانوار) شامل تحصیلات با بتای ۰/۶۵۸ و نظام تولیدی خانوار (مختلط) با بتای ۰/۶۲۴ هستند. بنابراین، تحصیلات مادر و نظام تولیدی (مختلط) خانوار تأثیر زیادی بر امنیت غذایی خانواده دارند و هرچه سطح تحصیل مادران بالاتر و نظام تولیدی مختلط باشد، امنیت غذایی بالاتر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره انجام شد. در بررسی امنیت غذایی خانوارهای مطالعه‌شده، «ناتوانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل و متناسب» و «کافی نبودن مواد غذایی خریداری‌شده و ناتوانی در خرید غذا» از مواردی بودند که در ۱۲ ماه گذشته بیشتر برای خانوارها اتفاق افتاده بود. در گروه‌بندی خانوارهای مطالعه‌شده براساس وضعیت امنیت غذایی، نتایج پژوهش نشان دادند که اکثریت خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره در قسمت ناامنی غذایی قرار دارند. نتایج تحقیق در خصوص وضعیت گروه‌های غذایی در جامعه روستایی مطالعه‌شده نشان دادند که بیشترین امن غذایی گروه لبنیات و بیشترین ناامن غذایی گروه غذایی سبزیجات است. نتایج تحلیل همبستگی نشان دادند که بین درآمد خانوار، تعداد شاغلان خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی تحت تملک خانوار و تحصیلات مادر خانوار (مسئول تغذیه) با امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با متغیر بعد خانوار و فاصله محل سکونت تا شهر رابطه منفی و معناداری برقرار است. این درحالی است که بین امنیت غذایی خانوار با متغیرهای سابقه فعالیت زنان روستایی در کشاورزی و سن آنان رابطه معناداری از نظر آماری وجود ندارد. نتایج این

بخش از مطالعه با یافته‌های گودرزی و همکاران (۱۳۸۷)، پیاب و همکاران (۱۳۹۰)، آدامز و همکاران (۲۰۰۵) و لی و همکاران (۲۰۱۱) هم‌سوست. نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان دادند که بین امنیت غذایی خانوار براساس متغیرهای درقید حیات‌بودن همسر، شرکت در دوره‌های آموزشی- ترویجی، دریافت اطلاعات در زمینه تغذیه خانوار، شغل زنان روستایی و نظام تولیدی خانوار تفاوت معناداری وجود دارد. زنانی که همسرشان درقید حیات است، در دوره‌های آموزشی شرکت داشتند، در زمینه تغذیه خانوار اطلاعات دریافت کردند، شغل آزاد دارند و نظام تولیدی خانوار آنان مختلط است، امنیت غذایی بالاتری دارند. نتایج این بخش از مطالعه با یافته‌های شرفخانی و همکاران (۱۳۹۰) و پریچارد (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سه متغیر درآمد خانوار، تحصیلات مادر و نظام تولیدی مختلط تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود امنیت غذایی خانوار دارند.

منابع

انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور ۱۳۷۴-۱۳۷۰، طرح جامع مطالعات مصرف موادغذایی و تغذیه انستیتو.

پورقاسم، فاطمه، پورجاوید، سهیلا، علی‌بیگی، امیرحسین، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه روستاییان شهرستان کرمانشاه، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، دوره ۲، صص. ۳۶۴-۳۴۷.

پیاب، مولود، درستی مطلق احمدرضا، اشراقیان محمدرضا، سیاسی، فریدون، کریمی، تینا، ۱۳۸۹، رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی- اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال هفتم، شماره ۱، صص. ۸۴-۷۵.

تقوی شیرازی، مریم، اقتصادی، کیارش، ۱۳۸۳، تغذیه، مجله میمند و سلامت، جلد ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۱۳.

سالارکیا، ناهید، امینی، مریم، عبدالهی، مرتضی، عشرتی، بابک، ۱۳۸۹، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تغذیه کودک زیر دو سال از دیدگاه مادران، مراقبین کودک و کارکنان

- بهداشت: یک مطالعه کیفی در شهرستان دماوند، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال پنجم، شماره ۴، صص. ۷۵-۸۶.
- سجادپور، سیدمحمد کاظم، احمدی خوی، امیررضا، ۱۳۹۰، تحول مفهومی و مؤلفه‌های رژیم بین‌المللی امنیت غذایی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره چهارم، صص. ۱۷۷-۱۴۵.
- شرفخانی، رحیم، دستگیری سعید، قره‌آغاچی اصل، رسول و قوامزاده، سعید، ۱۳۹۰، شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار: یک مطالعه مقطعی (دهستان قره‌سو، شهرستان خوی)، مجله پژوهشی ارومیه، دوره بیست‌ودوم، شماره دوم، صص. ۱۲۸-۱۳۳.
- شکوری، علی، ۱۳۸۳، امنیت غذایی و دسترسی به آن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص. ۱۶۸-۱۳۳.
- صفر خانلو، الهام و محمدی‌نژاد امیر، ۱۳۸۹، بررسی اثر ضایعات نان بر خط فقر و شاخص امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۸۶-۱۳۸۰، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نوزدهم، شماره ۷۵، صص. ۷۸-۵۳.
- عبادی، فرزانه، ۱۳۸۳، امنیت غذایی و توزیع درآمد، معاونت برنامه‌ریزی و بودجه مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- علی حسینی، جمیله، ۱۳۸۵، بررسی عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر ناامنی غذایی: خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در منطقه ۲۰ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۸۵، صص. ۱۵-۱۰.
- قاسمی اردهایی، علی، ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۲، صص. ۲۰-۱.
- کلانتری، ناصر و غفارپور، معصومه، ۱۳۸۱، طرح جامعه مطالعات الگوی مصرف مواد غذایی خانوار و وضعیت تغذیه‌ای کشور، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور.
- کیمیایگر، مسعود و بازن، مرجان، ۱۳۸۴، فقر و سوءتغذیه در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص. ۹۱-۱۱۲.
- کیمیایگر، مسعود، بازن، مرجان، صمیمی، بیتا، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت عرضه محصولات کشاورزی و تأثیر آن در الگوی مصرف مواد غذایی در ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص. ۱۵۸-۱۴۱.

کلانتری، خلیل، ۱۳۸۹، پردازش تحلیل داده‌های اقتصادی و اجتماعی با نرم‌افزار Spss، انتشارات مهندسی مشاور طرح منظر، چاپ چهارم، صص. ۱۸۳-۱۸۱.

گودرزی، فریدون، شادی‌طلب، زاله، طالب، مهدی، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی (مطالعه موردی دهستان پیر شهرستان خرم‌آباد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران، صص. ۱۳۵-۱۰۱.

نوروزی، ف.، ۱۳۷۳، تولید و عرضه غذا در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، صص. ۷۲-۳۷.

Bickel, G. Margaret, A., Bruce, K., 2008, **Measuring Food Security in the United States: A Supplement to the CPS**, in Nutrition and Food Security in the Food Stamp Program, Editors, D. Hall and M. Stavrianos, Mathematica Policy Research, Inc., Washington, DC, PP: 48.

Binam, L., 2003, **The Role of Women's Participation in Combating Desertification and Desertification Factors Affecting their Participation in Watersheds River Hableh in Semnan Province**, Master Thesis, Tarbiat Moddares University, PP. 12- 18.

Food and Agriculture Organization, 2008, **High Food Prices to Blame – economic Crisis Could compound Woes**, Cited in: <http://www.Fao.Org/news/story/8836/icode/>.

Li, X., Gan, C., Hu, B., 2011, **Accessibility to Microcredit by Chinese Rural Households**, Journal of asian economics, No. 22, PP. 235-246.

Sanchez, P.A., Leakey, R.B., 1997, **Land Use Transformation in Africa: three determinants for balancing food security with natural resource utilization**, International center for research in agroforsty, P.O. Box 30677, Nairobi, Kenya, journal of agronomy, No. 7, PP. 15-23.

Sarlo-Lahteenkorva, S., Lahelma, E., 2001, **Food Insecurity is Associated with Past and Present Economic Disadvantage and Body Mass Index**, Journal of Nutr food, 131, PP. 288-4.

USDA Food Security Module, 2008, **Guide to Measuring Household Food Security**. Available at: http://www.sciencedirect.com/science?_ob=RedirectURLmetod=externObjLink&_locor=url&_cd=3021&_plsSign=2B&_targetURL=http%253A%252F%252Fwww.ers.usda.gov%252FBriefing%252FFoodSecurity%252F (Accessed June 15, 2008, PP. 37-44).